

Economic support of terrorism in jurisprudence and international documents

Fatemeh Al-Sadat Ghoreishi Mohammadi¹, Hamid Bazarpach.^{2*}

1. Fatemeh Al-Sadat Ghoreishi Mohammadi, member of the Faculty of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

2. Hamid Bazarpach. Assistant professor and faculty member, Department of Law, Hashtgerd Branch, Islamic Azad University, Hashtgerd, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 179-186

Article history:

Received: 1 May 2021

Edition: 8 Jun 2021

Accepted: 11 Jul 2021

Published online: 26 Sep 2021

Keywords:

Economic support, financing, terrorism, FATF, United Nations

Corresponding Author:

Hamid Bazarpach

Address:

Iran, Karaj, Islamic Azad University, Karaj Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0009-0006-6430-5227

Tel:

090127330025

Email:

Hamid.bazarpach@hiay.ac.ir

ABSTRACT

Background and Purpose: Terrorism is one of the phenomena that has made the security of many societies insecure, and for this reason, its financial support is an important issue that needs to be discussed.

Materials and methods: The research method in this article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

Ethical considerations: In this paper, the originality of the text, honesty, and trustworthiness are respected.

Results: The findings showed that terrorism is prohibited in jurisprudence and can be explained in the form of rebellion and belligerence. Economic and financial support of terrorism is also criminalized in accordance with rules such as the rule of prohibition of helping to commit a crime and the rule of maintaining the system, because the financial support of terrorism is a form of participation in terrorism and in order to disrupt the system. In international documents, the commitments of governments in not financing terrorism have been discussed. Resolution 1373 of the Security Council and the Convention on the Suppression of the Financing of Terrorism approved by the United Nations General Assembly in 1999 and the Convention on the Financing of Terrorism and FATF are among the most important international documents in this field.

Conclusion: Both in jurisprudence and in international documents, financial support for terrorism is prohibited. Countering the financing of terrorism is a form of terrorism prevention, the realization of which requires the cooperation of governments in the international arena.

Cite this article as:

Bazarpach .H, Ghoreishi Mohammadi.F. *Economic support of terrorism in jurisprudence and international documents* Economic Jurisprudence Studies. 2021

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

حمایت اقتصادی از تروریسم در فقه و اسناد بین‌المللی

فاطمه‌سادات قریشی محمدی^۱، حمید بذریاچ^{۲*}

۱. فاطمه‌سادات قریشی محمدی، عضو هیئت علمی، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. حمید بذریاچ، استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

زمینه و هدف: تروریسم از پدیده‌هایی است که امنیت بسیاری از جوامع را دست‌خوش ناامنی کرده است و به همین دلیل، حمایت مالی از آن از مسائل مهمی است که نیازمند بحث و بررسی است. در این مقاله تلاش شده است تا مسئله حمایت اقتصادی از تروریسم در فقه و اسناد بین‌المللی بررسی شود.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها کیفی است و در گردآوری مطالب از روش فیش‌برداری استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد تروریسم در فقه ممنوع و در قالب بغی و محاربه قابل تبیین است. حمایت اقتصادی و مالی از تروریسم نیز مطابق با قواعدی چون حرمت اعانه بر اثم و قاعده حفظ نظام قابل جرم‌انگاری است؛ زیرا حمایت مالی تروریسم نوعی مشارکت در تروریسم و در راستای اخلاف در نظام است. در اسناد بین‌المللی نیز تعهدات دولت‌ها در عدم تأمین مالی تروریسم بررسی شده است. قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت و کنوانسیون سرکوب مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۹ مجمع عمومی سازمان ملل و کنوانسیون تأمین مالی تروریسم و اف.ای.تی.اف از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در این زمینه است.

نتیجه‌گیری: هم در فقه و هم در اسناد بین‌المللی حمایت مالی از تروریسم ممنوع است. مقابله با تأمین مالی تروریسم نوعی پیش‌گیری از تروریسم است که تحقق آن نیازمند همکاری دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۶-۱۶۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴

واژگان کلیدی:

حمایت اقتصادی، تأمین مالی، تروریسم، اف.ای.تی.اف، سازمان ملل

نویسنده مسئول:

حمید بذریاچ

آدرس پستی:

ایران، کرج، هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد هشتگرد، گروه حقوق.

کد ارکید:

0009-0006-6430-5227

تلفن:

۰۹۱۲۷۳۳۰۰۲۵

الکترونیک:

پست

Hamid.bazrpach@hiay.ac.ir

۱. مقدمه

ترور و تروریسم، ابزاری برای ساختارسازی، قدرت و رسیدن به اهداف اقتدارگرایی است. تروریسم پدیده‌ای است با گونه‌های گوناگون و پیچیده که در هر زمانی به تناسب شرایط زمانی و مکانی امنیت و آرامش انسان‌ها را با خطر مواجه کرده است. واژه ترور سال‌هاست در ادبیات بین‌الملل رسوخ کرده است و همچنان در میان دانشمندان، محققان و صاحب‌نظران سرگردان است؛ چنان‌که به واژه‌ای پیچیده، مبهم و ترسناک تبدیل شده است. به دلیل اینکه جامعه جهانی هنوز نتوانسته است تعریفی از ترور ارائه دهد که مورد پذیرش جهانیان واقع و ملاک و معیار سازمان ملل در تشخیص و تمیز از غیر ترور واقع شود. امروزه تروریسم کشورهای بسیاری را با چالش امنیتی روبه‌رو کرده است. اگرچه تعریف دقیق و یک‌پارچه‌ای از واژه تروریسم به صورت متفق‌القول در تمام کشورهای دنیا وجود ندارد؛ اما با توجه به اهمیت این موضوع و آسیب‌هایی که گریبان تمام بشریت را گرفته است بحث مقابله با آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

مقاله با تروریسم به اشکال مختلف متصور است. یکی از این راه‌کارها، مقابله با تأمین مالی تروریسم است. تروریست‌ها برای تأمین مالی خود فعالیت‌های گوناگونی را انجام می‌دهند. گروه‌های تروریستی می‌توانند از طریق فعالیت‌هایی چون تجارت، دریافت کمک‌های مالی و مؤسسه‌های خیریه کسب درآمد کنند. گروه‌های تروریستی از طریق قاچاق اسلحه، مواد مخدر، آدم‌ربایی، کلاهبرداری، قاچاق نفت، قاچاق الماس، قاچاق آثار باستانی و قاچاق انسان نیز منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند. منابع

مالی گروه‌های تروریستی از طریق نظام‌های بانکی بین‌المللی منتقل می‌شود. از طرفی همه فعالیت‌های اقتصادی گروه‌های تروریستی در خلأ صورت نگرفته است؛ بلکه در جغرافیای سیاسی کشورهای مختلف انجام می‌شود. همین امر بررسی مقابله با تأمین مالی گروه‌های تروریستی را مهم و ضروری کرده است. در زمینه تروریسم و گروه‌های تروریستی پژوهش‌های زیادی انجام شده است. نمامیان و سهراب-بیگ (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای مبارزه با تروریسم را در قالب راهبردی مؤثر در تحقق صلح عادلانه جهانی بررسی کرده‌اند. اسماعیلی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای مسئولیت دولت‌ها در حمایت از تروریسم در آینده اسناد و رویه قضایی بین‌المللی را تحلیل کرده است. فلاح (۱۴۰۰) در مقاله‌ای مفهوم تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل و اسلام را مورد بررسی قرار داده است. در مقاله حاضر تلاش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که رویکرد فقه و اسناد بین‌المللی به حمایت مالی از تروریسم چگونه قابل بررسی است؟ بنابراین، نوآوری مقاله نیز بررسی همین پرسش است. فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است: هم در فقه و هم در اسناد بین‌المللی، حمایت مالی از تروریسم ممنوع است. به منظور بررسی پرسش مورد اشاره ابتدا مفهوم تروریسم سپس حمایت از تروریسم از منظر فقهی تحلیل شده است و در ادامه درباره حمایت از تروریسم از منظر اسناد بین‌المللی بحث شده است.

۲. تعریف تروریسم

ترور به معنای وحشت و به وحشت افکندن است و در سیاست به عمل حکومت یا گروه‌هایی اطلاق می‌شود که برای حفظ قدرت یا مبارزه با دولت با انجام اعمالی خاص ایجاد وحشت می‌کنند (آشوری، ۱۳۸۱، ۹۹-۹۳). ترور به معنای استفاده از خشونت برای ایجاد ترس یا وحشت به‌ویژه ابزاری برای تأثیر گذاردن بر اعمال سیاسی است (آگارنر، ۱۳۸۱، ۳۱۸-۳۱۲). «تروریسم به معنای ترس و وحشت و اعمال فرد یا گروهی است که از راه ایجاد ترس و وحشت و به کار بستن زور می‌خواهد به هدف‌های سیاسی خود برسد. همچنین کارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها برای سرنگونی مخالفان خود و ترساندن آنان نیز در ردیف تروریسم قرار دارد که از آن به عنوان تروریسم دولتی یاد می‌شود» (علیزاده، ۱۳۷۷، ۲۷۴). «برخی مفاهیم انطباق بیشتری با ترور و تروریسم دارند؛ مانند محاربه و افساد فی الارض؛ ولی برخی دیگر اخص یا اعم یا عام و خاص من وجه هستند. در برخی موارد بر هم دیگر انطباق پیدا می‌کنند و در موارد دیگر متفاوت‌اند. از این رو نمی‌توان احکام آن عناوین و موضوعات را به ترور و تروریسم سرایت داد» (اسماعیلی، ۱۳۰، ۱۳۹۲). در ماده اول کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی در مقابله با تروریسم بین‌المللی آمده است: «تروریسم شامل هر گونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدیدکننده است که صرف‌نظر از مقاصد یا انگیزه مرتکبین آن به‌منظور اجرای یک طرح جنایت کارانه فردی یا گروهی و با هدف ایجاد رعب بین مردم یا تهدید آنان به وارد آوردن صدمه به آنان و به خطر انداختن یکی از منابع ملی یا تأسیسات بین‌المللی، یا تهدید کردن، ثبات، تمامیت ارضی، وحدت سیاسی یا حاکمیت کشورهای مستقل انجام گیرد».

در کتاب فرهنگ اصطلاحات معاصر، فتک به معنای ترور و کشتن آمده است. «فتک آن است که کسی به همراه خود وارد شود و درحالی که او قاتل است، به‌طوری ناگهان او را به چنگ اندازد و به قتلش برساند» (جوهری، ۱۹۸۷، ج ۴، ۱۶۰۲). یکی دیگر از مفاهیم نزدیک به مفهوم ترور، محاربه است. از منظر فقهی، شخصی که سلاح خود را آماده سازد و اقدام به ترساندن مردم و سلب امنیت و ایجاد فساد در جامعه نماید، بدون در نظر گرفتن مکان، زمان و جنسیت فرد محارب نامیده می‌شود (ابن-منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ۴۷۲). آیه ۳۳ سوره مائده احکام کیفری (حکم) فرد محارب را به صراحت بیان می‌کند: «کیفر آن‌ها که به محاربه با خدا و پیامبرش برمی‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا چهار انگشت از دست (راست) و پای (چپ) آن‌ها، به‌عکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن‌ها در دنیاست؛ و در آخرت مجازات عظیمی دارند». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود «در فرهنگ اسلامی نیز تروریسم با بار منفی در برگیرنده عناصر ذیل است: الف) مهم‌ترین عنصر تروریسم سلب امنیت و آسایش است که آن را تا حد بزرگ‌ترین جنایت برای بشریت خطرناک می‌کند. ب) انگیزه آن مقاصد غیرانسانی و ضدبشری است که معمولاً عاملان تهدید و ارباب را به انجام جنایاتی علیه بشریت وامی‌دارد. ج) اقدام خشونت‌بار و به کارگیری سلاح یا تهدید به آن. د) غیرقانونی بودن و هنجارشکنی اقدامات تروریستی. ه) قربانیان یعنی همان کسانی که مورد حمله تروریستی قرار می‌گیرند، غیر نظامیان و افراد بی‌گناه هستند» (عمیدزنجانی، ۱۳۷۷، ج ۳، ۴۲۶-۴۲۷).

۳. رویکرد فقه به حمایت از تروریسم

اسلام مانند هر نظام حقوقی دیگر، خشونت قانونی در قالب مجازات برای جرائم و یا دفاع مشروع را تجویز می‌کند؛ اما خشونت غیر قانونی و خودسرانه را ناروا دانسته است و تحت عناوین گوناگون از جمله «محاربه، فتک غدر و اغتیال با آن مقابله نموده است» (حسینی، ۱۳۹۱). آیات و روایات فراوانی در حرمت و منع ترور و قتل پنهانی وجود دارد که هیچ‌گونه تردیدی درباره ممنوعیت ترور از دیدگاه فقهی باقی گذارد. آیاتی از سوره‌های مائده و اسراء، قتل نفس و کشتن انسان را منع کرده است. در آیه ۳۲ مائده آمده است: «مَنْ أَجْلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ» به همین جهت بر بنی‌اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است و رسولان ما دلایل روشن برای بنی‌اسرائیل آورده‌اند اما بسیاری از آن‌ها پس از آن در روی زمین تعدی و اسراف کردند» و نیز در آیه ۳۳ سوره اسراء، ذکر شده است: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» و کسی را که خداوند خونش را حرام کرده نکشید جز به حق و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی او سلطه و حق قصاص قرار دادیم اما در قتل اسراف نکنید؛ چراکه او مورد حمایت است».

در حدیثی معتبر نقل شده است که ابوصباح کنانی به امام صادق (ع) می‌گوید: «همسایه‌ای داریم که نسبت به امیرالمؤمنین (ع) بدگویی می‌کند، آیا اجازه عملی را نسبت به او می‌دهید؟ حضرت فرمودند: آیا تو اهل کار هستی؟ گفت به خدا قسم اگر اجازه دهید در کمین او می‌نشینم. هنگامی که به دام افتاد با شمشیر او را می‌کشم. حضرت فرمود: ای ابوصباح این کار، ترور است و رسول خدا از ترور نهی فرمودند. ای ابوصباح، اسلام تحقیقاً مانع ترور است» (کلینی، ۱۴۰۵، ج ۷: ۳۷۵). حدیث فوق مصداق بارز ممنوعیت فتک در اسلام است. فتک آن است که شخصی کسی را که نزد اوست و غافل است (از نیت آن شخص) مورد حمله قرار دهد و به قتل رساند. همچنین از معصوم نقل است که: «ایمان، مانع ترور است. مؤمن، ترور نمی‌کند؛ یعنی این که ترور را منع می‌کند، همانند کسی که دستش بسته است و قادر نیست کاری انجام دهد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۷، ۱۳۷).

«نتیجه‌ای که با تأمل در آیات قرآن و احادیث معتبر به دست می‌آید این است که اعدام قاتل، مفسد و محارب، در صورت تحقق شرایط لازم، صرفاً به اذن امام عادل یا نایب خاص یا رهبر و حاکم اسلامی به شکل آشکار بدون پرده پوشی و به منظور بازگرداندن امنیت عمومی انجام می‌گیرد. درحالی که ترور علیه مخالفان سیاسی و در نیل به اهداف سیاسی انجام می‌شود و در آن اذن امام عادل وجود ندارد و اغلب پنهانی و برای ضربه زدن و اخلاص در نظم عمومی صورت می‌پذیرد» (طباطبایی، ۱۳۶۴، ۵۳۳).

خداوند در آیه ۷۶ سوره نساء می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي

سَبِيلِ الطَّاعُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا: اهل ایمان در راه خدا، و کافران در راه طاغوت (شیطان) جهاد می‌کنند، پس (شما مؤمنان) با دوستان شیطان بجنگید (و از آن‌ها بیم و اندیشه مکنید) که مکر و سیاست شیطان بسیار سست و ضعیف است». وجه وجوب جهاد هم این است که جهاد اسلامی موجب می‌شود مستضعفان از دست نظام‌های طاغوتی و کفر نجات یابند. در مقابل، وجه حرمت ترور که در منابع فقه سیاسی شیعه تحت عناوین محاربه: سلاح کشیدن به قصد ترسانیدن، فتک: کشتن طرف در غفلت، غدر: کشتن و تجاوز بعد از امان دادن به دشمن آمده است؛ به دلیل کینه نهفته و نادانی نفرت‌انگیزی است که خلاف نص صریح قرآن و سنت رسول‌الله است (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ۵؛ البحرانی، ۱۴۰۷، ۱۹۳؛ نجفی، ۱۳۶۵، ج ۴۱، ۷۸). موضوع تروریسم از موضوعات نوپا و مستحدثه است؛ بنابراین تأمین مالی تروریسم نیز به عنوان یک جرم مستقل در حقوق جزای اسلام سابقه‌ای ندارد؛ اما با استفاده از قواعد فقهی موجود که مرهون تلاش فقها است می‌توان حکم این عمل را در اسلام به دست آورد.

۳-۱. قاعده حرمت اعانه بر اثم

از منظر فقهای اسلام به‌ویژه فقهای امامیه، مستند اصلی برای معاونت در جرم، قاعده حرمت اعانه بر اثم است که بررسی این قاعده از دیرباز در میان فقهای امامیه مطرح بوده است و مشهور فقهای امامیه و بعضی از علمای عامه به حرمت آن معتقدند (موسوی خویی، ۱۳۹۲، ج ۱، ۱۷۱). در زمینه حرمت معاونت بر اثم باید گفت که مشهور فقها قائل به حرمت

معاونت بر اثم هستند. شیخ طوسی در المبسوط، جزو نخستین عالمانی است که به این قاعده استناد کرده است. ایشان در بحث دادن زکات به فقیر می‌فرمایند نباید زکات را به فقیری که پول در معصیت مصرف می‌کند داده شود؛ چرا که این معاونت در گناه است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۲۵۱). علامه حلی در کتاب مختلف/الشیعه به استناد همین قاعده، فروش وسایلی را که فروشنده می‌داند خریدار آن‌ها را در ساخت آلات لهو استفاده می‌کند، حرام می‌داند (حلی) (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۲۲). محقق کرکی در جامع المقاصد به استناد همین قاعده بر حرمت وقف بر کلیسا فتوا داده است (عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج ۹، ۴۷). صاحب حدائق در بحث صید کردن در حال احرام می‌گوید: «وقتی صید کردن در حال احرام حرام است، قبول کردن و گرفتن این صید برای شخصی که در حال احرام نیست هم حرام است؛ چرا که کمک کردن بر گناه است» (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۱، ۴۹۰). از دید فقها فروش سلاح به دشمنان دین حرام است زیرا معاونت بر گناه است (حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ۱۱۹). آیات، روایات، اجماع و عقل مهم‌ترین مبانی فقهی معاونت در جرم است.

اولین دلیل برای اثبات مدعی، آیاتی از قرآن کریم است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود. اولین و مهم‌ترین آیه قرآن در اثبات این قاعده، بلکه شاید بتوان گفت مهم‌ترین دلیل، بخشی از آیه دوم سوره مائده است که می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ: بر امور خیر و خوب همکاری کنید و از همکاری بر گناه و ظلم پرهیز کنید». چنان‌که از ظاهر آیه مشخص است آیه دلالت بر نهی از مساعدت و کمک بر گناه و ظلم می‌کند و

موحدی لنکرانی، ۱۴۱۶ ج ۱، ۴۴۹). ولی باید گفت با توجه به مجموع روایاتی که درباره متصدیان ساخت شراب و حمل و نقل آن و ... وارد شده است می‌توان نتیجه گرفت که در این روایت، مقصود، علاوه بر حرمت وضعی، حرمت تکلیفی نیز هست (منتظری، ۱۴۱۵، ج ۲، ۲۵۰). و حتی بر فرض این روایت فقط دلالت بر حرمت وضعی کند این روایت در مقابل دیگر روایات باب از باب مطلق در برابر مقید است که باید مطلق را حمل بر مقید کرد.

سومین دلیلی که قائلان به حرمت معاونت بر اثم اقامه کرده‌اند، اجماع است. فقهای زیادی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ۱۱۳) یکی از مستندات خود را در اثبات این قاعده دلیل اجماع قرار داده‌اند؛ اما باید به این نکته توجه داشت اجماعی که نزد شیعه معتبر است اجماعی است که کاشف از قول معصوم باشد؛ یعنی اجماع به خودی خود هیچ ارزش و اعتباری ندارد بلکه آنچه ارزش دارد و دلیل محسوب می‌شود نقل در برابر عقل است و قرآن و سنت داخل در این نقل هستند و روایات معصومین هم از باب اینکه کاشف از سنت معصوم هستند ارزش و اعتبار دارند. اجماع هم در صورتی که کاشف از قول معصوم باشد ارزش دارد؛ اما این اجماع که اینجا نقل شده است اولاً اجماع منقول است و نه محصل و یقین‌آور نیست؛ دوماً اجماعی مدرکی است که کسانی که ادعای اجماع کرده‌اند به همین آیات و روایات استناد کرده‌اند و سوماً اجماعی در کار نیست؛ زیرا مخالفانی نیز برای این قاعده وجود دارد از جمله آیت‌الله خویی که معاونت بر اثم را به‌طور مطلق حرام نمی‌داند و آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله روحانی و آیت‌الله طباطبایی قمی. پس انصاف اقتضا می‌کند که گفته شود ادعای

از طرفی شاید یکی از محدود مسائلی که در اصول بر آن اتفاق نظر وجود دارد ظهور نهی در حرمت است. از دید برخی فقها: «آنچه مشهور بین علما است این است که از نهی حرمت مطلق بدون هیچ قید یا تفسیری به دست می‌آید» (صدر، ۱۴۱۷، ج ۲، ۱۵). «صیغه نهی هم مانند صیغه امر - که به نحو مطلق دلالت بر وجوب می‌کرد - دلالت بر حرمت می‌کند» (خمینی، ۱۴۱۸، ج ۴، ۸۳). «ظاهراً نهی هم از جهت ماده نهی و هم از جهت صیغه نهی مانند ماده صیغه امر دلالت بر طلب می‌کند. البته یکی دلالت بر طلب فعل و یکی دلالت بر طلب ترک فعل» (حکیم، ۱۴۰۸، ج ۱، ۳۴۴). نتیجه اینکه آیه شریفه به صراحت معاونت در گناه را ممنوع اعلام می‌کند.

دلیل دیگری که می‌توان برای اثبات حرمت معاونت بر اثم اقامه کرد روایات فراوانی است که در ابواب مختلف فقهی بیان شده است تاحدی که ادعای مستفیضه بودن این روایات شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲، ۱۰۲). روایات مربوط به معاملات از جمله این روایات است. در باب اجاره، احادیثی مبنی بر حرمت اجاره منزل و مرکب، برای ارائه و حمل و نگهداری کالاهای ممنوع شرعی وارد شده است که در یکی از این احادیث از امام صادق علیه السلام درباره شخصی که خانه خود را جهت خرید و فروش شراب اجاره می‌دهد سؤال شد که حضرت می‌فرمایند: «حرام اجاره» (کلینی، ۱۴۲۷، ج ۵، ۲۲۷). بعضی از فقها درباره این روایت خدشه کرده‌اند و معتقدند مؤدای این روایت، بطلان اجاره است؛ یعنی حرمت وضعی را بیان می‌کنند و حرمت وضعی مستلزم حرمت تکلیفی عمل نیست (فاضل

اجماع در اینجا مقبولیت ندارد و باید سراغ ادله دیگر رفت.

دلیل دیگری که بر مدعی یعنی حرمت اعانه بر اثم اقامه شده است، دلیل عقل است. به دلیل قاعده ملازمه «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» در شریعت مقدس معاونت در جرم قبیح خواهد بود و شخص اعانت کننده هم مبعوض شارع مقدس خواهد بود. قاعده «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» از قواعد فقهی و مراد آن است که اگر در مسئله‌ای دلیلی نقلی وجود نداشته باشد، ولی دلیل عقلی مسلم وجود داشته باشد، دلیل عقلی مسلم برای استنباط حکم شرعی کفایت می‌کند و برای مرجع تقلید حجت است. البته این در صورتی است که عقل به مصلحتی که استیفائش لازم و یا مفسده‌ای که احترازش لازم است، به طور قطع و یقین پی ببرد. در اصطلاح به «ملاک» و «مناط» واقعی به طور یقین و بدون شبهه دست یابد؛ وگرنه با صرف ظن و گمان و حدس و تخمین نمی‌توان نام حکم عقل را بر آن گذاشت. قیاس در فقه به همین دلیل باطل است که ظنی و خیالی است، نه عقلی و قطعی. «عقل، تهیه مقدمات و اسباب فعل حرام و اعانت بر فعل را قبیح می‌داند و بدین سان معین را مستحق عقاب دانسته است. از آنجاکه قوانین جزایی نیز او را مستحق کیفر می‌دانند، بدین جهت قوانین عرفی مکلف به ایجاد قوانین جزایی شده‌اند. اگرچه معین نقش اصلی در جرم نداشته باشد، وی را مجازات می‌کنند. مثلاً اگر کسی در سرقتی سارقی را یاری دهد و اسباب سرقت را فراهم و سارق را در این جرم یاری کند، معین و معاون جرم بوده و از دیدگاه عقل مستحق جزا و مجازات می‌باشد؛ همان طور که قوانین جزایی عمل

کرده‌اند. حکم عقل مستقل است از قبیح بودن کمک و مساعدت بر انجام فعلی که مبعوض شارع مقدس است و یا چیزی که در آن مفسده‌ای باشد. زمانی که عقل آدمی به طور مستقل چنین فعلی را قبیح پندارد» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۳۰۰)

با توجه به معانی تعاون اثم و عدوان و اینکه تروریسم در فقه اسلام ذیل مفاهیم بغی و محاربه قابل تبیین است، می‌توان گفت که تأمین مالی تروریسم از این جهت که زمینه و شرایط تسهیل ارتکاب تروریسم را فراهم می‌کند، یکی از مصادیق معاونت در جرم قلمداد می‌شود.

۳-۲. قاعده حفظ نظام و نفی اختلال آن

نظام در لغت به معنای نظم دادن، آراستن، رویه، عادت (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ۱۶۶)، تألیف، جمع کردن و نزدیک کردن شیئی با شیء دیگر است. به نخی که به وسیله آن، مروارید یا شیء دیگری با نظم در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، نظام گویند (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ۵۷۹؛ طریحی، ۱۹۸۵، ج ۶، ۱۷۷). در روایات اسلامی این واژه بدین معنا استعمال شده است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ۱۳۷). بنابراین به حاکم اسلامی که سبب استقرار نظم و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز افراد در جامعه می‌شود، نظام‌الاسلام اطلاق می‌شود (مفید، ۱۴۱۳، ۱۴).

در مقام بیان مفهوم اصطلاحی نظام می‌توان گفت: «نظام، مجموعه‌ای از عناصر است که به طور منظم و رابطه کنش و واکنش متقابل، برای تحقق هدف مشترک، به صورت معناداری

به هم پیوسته‌اند» (نمازی، ۱۳۸۶، ۲۳). این انتظام و به هم پیوستگی به گونه‌ای است که اگر در یکی از عناصر تشکیل دهنده، خللی وارد شود، کل نظام دچار اخلال خواهد شد» (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۹، ۱۵).

در عالم به طور کلی، دو نظام می‌توان تصور نمود: نظام طبیعی (نظام مستقل از اراده بشر) و نظام انسان-ساخته. نظام انسان ساخته ممکن است به چهار گونه پدیدار شود: نظام مکانیکی، نظام شخصیتی، نظام فرهنگی و نظام اجتماعی که نظام سیاسی، خرده نظام اجتماعی است (اشتراوس، ۱۳۸۳، ۱۵۰؛ ریترز، ۱۳۹۱، ۱۳۳). نظام اسلامی را می‌توان نظامی طبیعی و انسان ساخته قلمداد کرد؛ زیرا از سویی خواست و اراده خداوند فارغ از دخالت اراده انسان بر استقرار چنین نظامی تعلق گرفته است و از سویی دیگر، مبتنی بر نبوت و خواست انسانی است. اندیشمندان در حوزه سیاست، معانی مختلفی برای نظام اسلامی ذکر کرده‌اند (شریعتی، ۱۳۸۷، ۲۵۲؛ ابوالحمد، ۱۳۸۴، ۱۹۶). در این پژوهش حفظ نظام اسلامی به معنای «حفظ بیضه اسلام» که از آن به عنوان اساس و موجودیت اسلام یاد شده است، مورد توجه است (نائینی، ۱۴۲۴، ۳۹، حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۴). بر این اساس، هرگاه دشمنان اسلام در صدد فروپاشی نظام اسلامی برآیند، جهاد بر مردم واجب می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱، ۴۱۷) که این وجوب، متوقف بر هیچ امری نیست. این حکم درباره تمام دولت‌های اسلامی جریان دارد (خمینی، ۱۴۰۹، ج ۱، ۴۱۷).

درباره این موضوع باید گفت که «با توجه به آثار زیان‌بار تروریسم بر زندگی، اموال، توسعه اقتصادی اجتماعی، ثبات سیاسی و تمامیت ارضی، دولت‌ها

بدیهی است که مغایر با نظامات و مقررات حکومتی است. از سویی تأمین مالی هزینه‌های فعالیت‌های تروریستی که نقش مهمی در انجام آن دارد موجب اختلال و بی‌ثباتی در نظام اقتصادی، اجتماعی امنیتی و ... می‌شود» (سلیمانی، ۱۳۹۳، ۱۱۹-۱۱۸). «نکته‌ای که در جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم بر مبنای قاعده حفظ نظام کمک می‌کند این است که اختلال در نظام یکی از مصادیق فساد است. فساد از اختلال در نظم و اعتدال امور ایجاد می‌شود. وقتی جامعه‌ای دارای نظم و نظام است به یک آرامش و اعتدال نسبی می‌رسد و وقتی در نظام جامعه‌ای اختلال صورت می‌گیرد، جامعه آرامش و اعتدال خود را از دست می‌دهد. صلاح و سداد هر جامعه‌ای وابسته به نظام‌مندی است و با هرج و مرج و آشوب تباه خواهد شد. بنابراین اختلال در نظام یک جامعه، مصداق بارز به فساد کشاندن آن است» (باقی زاده؛ امیری فرد، ۱۳۹۳، ۱۸۲). بنابراین، چون تروریسم با ایجاد رعب و وحشت و قتل و کشتار در صدد ایجاد اخلال در نظام است، لازم است به منظور حفظ نظام و امنیت و مصلحت عمومی با آن مقابله شود. بدیهی است که مقابله با آن در اشکال مختلف از جمله ممنوعیت حمایت مالی متصور است.

۴. حمایت مالی دولت‌ها از گروه‌های تروریستی در اسناد بین‌المللی

سازمان ملل متحد نقطه محوری غیر قابل انکاری برای مقابله با حمایت مالی دولت‌ها از گروه‌های تروریستی است. این سازمان در ایجاد وفاق جهانی و تجهیز اقدام جهانی علیه تروریسم سهم به‌سزایی

داشته است. با سیاست‌ها و برنامه‌های مورد بحث در سازمان ملل متحد و از طریق تصمیمات مجمع عمومی است که دولت‌ها می‌توانند اسناد مبارزه با تروریسم را به‌عنوان تهدیدی جهانی توسعه بخشند. با توجه به اینکه سازمان ملل توانایی ایجاد الزاماتی را برای کشورها دارد بدون آنکه نیازی به رضایت کشورها برای قبول یا عدم قبول این الزامات باشد می‌توان گفت تصمیمات سازمان ملل در راستای پیش‌گیری از تروریسم و تأمین مالی تروریسم و ایجاد الزاماتی در این زمینه از سوی این سازمان برای کشورها می‌تواند از مهم‌ترین اقدامات در رابطه با این موضوع باشد. «در این راستا دو نهاد اصلی سازمان ملل یعنی: مجمع عمومی و شورای امنیت به وضع کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های مختلفی در خصوص مبارزه با تروریسم و بالخصوص مبارزه با تأمین مالی تروریسم پرداخته‌اند» (لاکیور، ۲۰۰۹، ۴۳). مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مقابله با حمایت مالی دولت‌ها از گروه‌های تروریستی عبارت است از:

۴-۱. کنوانسیون سرکوب تأمین مالی تروریسم

مجمع عمومی در طول حیات خود کنوانسیون‌های ضد تروریستی متعددی تصویب کرده است. یکی از این کنوانسیون‌ها، کنوانسیون سرکوب تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۹ است. «کنوانسیون سرکوب تأمین مالی تروریسم سه تعهد عمده را برای دولت‌های عضو در نظر گرفته است: ۱. جرم‌انگاری تأمین مالی اعمال تروریستی در قوانین جزایی. ۲. همکاری گسترده با سایر کشورهای عضو و ارائه معاضدت قضایی در موضوعات مربوط به کنوانسیون.

۳. وضع مقررات و الزامات مربوط به ایفای نقش مؤسسات مالی در کشف و گزارش‌دهی موارد تأمین مالی اعمال تروریستی» (والتر رایش، ۱۳۸۱). «از نظر ماده دوم این کنوانسیون فردی مجرم تلقی می‌گردد که با هر وسیله مستقیم یا غیر مستقیم، قانونی یا غیر قانونی، وجوهاتی را فراهم و یا گردآوری کند به‌قصد اینکه کل وجوهات مذکور و یا بخشی از آن را مصروف فعالیت‌های مرتبط با جرائم تروریستی مندرج در کنوانسیون‌های ضمیمه شده کند. در قسمت ب بند اول ماده دو مصرف کردن وجوهات در فعالیت‌هایی که به‌قصد کشتار یا ایراد صدمات جسمی شدید به شهروندان غیر نظامی و یا هر فرد دیگری که نقش فعالی در منازعات در زمان درگیری‌های نظامی ندارد، به‌ویژه حالاتی که هدف از این اعمال ترساندن یک-گروه انسانی، اجبار یک دولت و یا یک سازمان بین‌المللی به انجام و یا ترک یک عمل باشد، مصداق عمل مجرمانه تلقی می‌گردد» (هادویان، ۱۳۸۲). «ماده یک کنوانسیون در تعریف واژه‌ها به انواع عناوین نقدینگی و پول اشاره می‌کند و استفاده و یا انتقال آن‌ها به عوامل تروریستی را مصداق تأمین مالی تروریسم می‌داند و در این رابطه استفاده و یا انتقال وجه نقد، اعتبار بانکی یا الکترونیکی، چک و تراول چک کارت بانکی، سهام، گواهی اعتبار و یا تمکن مالی سفارش پول پرداخت هزینه‌ها به نیابت از عوامل تروریستی از مصادیق تأمین مالی تروریسم بیان شده است. در همین ماده، کمک‌ها، اعانات و ارائه امکانات دولتی به عوامل تروریستی شامل هر گونه تسهیلات دائمی و یا موقتی در هر شکل از سوی هر مقام دولتی در هر سطح مصداق مساعدت دولتی به عوامل تروریستی تلقی شده است» (کانتور مارس، ۲۰۰۵، ۲).

علیه صلح و امنیت بین‌المللی، لزوم همکاری دولت‌ها و سازمان ملل متحد را جهت تهیه و تدوین کنوانسیون‌های مرتبط با آن‌ها را نمایان ساخت» (اسدی، ۱۳۹۰، ۵۶). تصویب و اجرای کنوانسیون نیز مستلزم تصویب قانونی داخلی است که باید مطابق قواعد و استانداردهای مقرر در کنوانسیون تدوین شده باشد.

۴-۲. قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت

شورای امنیت یکی دیگر از ارگان‌هایی است که در راستای مقابله با تروریسم و تأمین مالی تروریسم اقدام به صدور قطعنامه‌های بسیاری کرده است. خاستگاه اصلی این قطعنامه‌ها به حوادث ۱۱ سپتامبر برمی‌گردد. «شورای امنیت تا قبل از ۱۱ سپتامبر در ۱۲ قطعنامه تروریسم را مورد توجه قرار داده بود. شورا در این قطعنامه‌ها دو مرتبه مستقیماً با تروریسم بین‌المللی برخورد کرد؛ اما بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر صدور قطعنامه‌های ضد تروریستی از سوی شورای امنیت افزایش پیدا کرد و دلیل آن وقوع حوادث تروریستی متعددی و سهمگین در نقاط مختلف جهان و نیز ظهور گروه‌های تروریستی مختلف بود» (دردریان، ۱۳۹۲، ۱۷). یکی از مهم‌ترین قطعنامه‌های شورای امنیت در زمینه تأمین مالی تروریسم را می‌توان قطعنامه ۱۳۷۳ دانست که قطعنامه‌های بعدی شورای امنیت برگرفته از همین قطعنامه است. «در قطعنامه ۱۳۷۳، شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور، دولت‌ها را ملزم می‌کند که ۱. از تأمین مالی اعمال تروریستی جلوگیری و آن را متوقف کنند. ۲. ارائه یا جمع‌آوری داوطلبانه

«در کنوانسیون مزبور جهت اتخاذ اقدامات پیش‌گیرانه به منظور جلوگیری از تأمین مالی تروریسم نیز دولت‌های عضو مکلف به رعایت امور زیر شده‌اند: ۱. منع تشویق، تحریک، سازمان‌دهی یا استخدام جهت ارتکاب جرائم تأمین مالی تروریسم ۲. الزام مؤسسات مالی در به کارگیری کارآمدترین اقدامات به منظور شناسایی مشتری و معاملات مشکوک و گزارش‌دهی معاملات مشکوک و به همین منظور تدوین مقررات ناظر بر صاحبان حساب و ذی‌نفع‌هایی که شناسایی نشده‌اند، تدوین مقررات مربوط به مستندات و مدارک لازم جهت افتتاح حساب برای اشخاص حقوقی، تدوین مقررات مربوط به نحوه گزارش‌دهی معاملات مشکوک و تدوین مقررات ناظر بر نحوه نگه‌داری بایگانی مربوط به معاملات. ۳. انجام اقدامات نظارتی از جمله اعطای مجوز به مؤسسات واسطه و جوه. ۴. انجام اقدامات عملی به منظور ردگیری یا کنترل جابه‌جایی و نقل و انتقال برون مرزی و جوه. ۵. برقراری کانال‌های مبادله اطلاعات بین نهادهای ذی‌ربط. ۶. ایجاد آیین و روشی برای همکاری با سایر اعضای کنوانسیون جهت پاسخ‌گویی به سؤالات مربوط به اشخاص و جوه مظنون به دخالت در تأمین مالی تروریسم ۷. مبادله اطلاعات از طریق پلیس بین‌الملل هدف از انعقاد کنوانسیون یادشده مبارزه هدفمند و نهادینه با مسئله تروریسم در جهان بوده و همین مسئله باعث افزایش مساعی دولت‌ها برای مشارکت در مبارزه با تروریسم می‌باشد. افزایش گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی و در نتیجه، نیازمندی آن‌ها به جوه و منابع مالی گسترده جهت نگه‌داری، آموزش و به‌طور کلی سازمان‌دهی افراد و هزینه کردن اقدامات تروریستی و نیز معرفی این موارد به عنوان تهدیدی

گیری، تعقیب و مجازات هر گونه تأمین مالی تروریسم نیز است.

تفاوت کنوانسیون تأمین مالی تروریسم مجمع عمومی مصوب ۱۹۹۹ با قطعنامه ۱۳۷۳ در اینجاست که الحاق به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم تبدیل به قانون داخلی می‌شود؛ ولی قطعنامه شورای امنیت، قانون بین‌المللی لازم‌الاجراست و طبعاً ضمانت اجرایی قوانین داخلی برای هر کشوری بالاتر است (کارگری، ۱۳۹۱، ۶۷). تکالیف مقرر در یک کنوانسیون تا زمانی که یک کشور عضو آن کنوانسیون نشده بر آن کشور لازم‌الاجرا نمی‌شود؛ اما تکالیف مقرر در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تمامی کشورها الزام حقوقی ایجاد می‌کند و پذیرش یا عدم پذیرش آن قطعنامه تأثیری در لازم‌الاجرا شدن آن ندارد.

۴-۳. گروه اقدام مالی (اف.ای.تی.اف)

گروه ویژه اقدام مالی (اف.ای.تی.اف) در سال ۱۹۸۹ به ابتکار کشورهای عضو گروه «جی ۷» تشکیل شد تا بررسی‌هایی درباره وضعیت قوانین مبارزه با پول‌شویی در بازارهای مختلف مالی را در سرتاسر جهان انجام دهد و نتیجه آن را در جلسات هر چهار ماه یک‌بار خود به اطلاع کشورهای عضو برساند تا این کشورها بتوانند ریسک سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی هدف را بررسی و در مورد سرمایه‌گذاری که به کشورهای مشکوک می‌روند، احتیاط کنند. در سال ۲۰۰۱ بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به برج‌های مرکز تجارت جهانی در نیویورک، یک وظیفه دیگر هم به عهده

کمک‌های مالی از هر طریق توسط اتباع خود یا در قلمرو خود به‌منظور استفاده در جهت اعمال تروریستی را مجرمانه قلمداد کنند. ۳. منابع مالی و اقتصادی و سایر دارایی‌های کسانی که مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند یا درصدد ارتکاب آن هستند یا در اعمال تروریستی مشارکت کرده یا آن را تسهیل می‌کنند را در اولین فرصت مسدود نمایند» (لاککیور، ۲۰۰۹، ۸۹).

شورای امنیت سازمان ملل در بند ۳ قطعنامه ۱۳۷۳ «هر نوع عمل تروریستی بین‌المللی را به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی توصیف کرد، لذا نتیجه حقوقی این قطعنامه این است که در صورت لزوم شورای امنیت می‌تواند نسبت به اجرای اقدامات دسته‌جمعی (یا ضمانت‌های اجرایی دیگر) مقرر در فصل هفتم منشور ملل متحد اقدام کند، زیرا تصمیمات شورای امنیت در این شرایط به‌موجب مواد ۲۵ و ۴۸ منشور ملل متحد برای کلیه کشورهای عضو سازمان ملل الزام‌آور است. اقدامات دسته‌جمعی که شورای امنیت در واکنش به تروریسم (به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی) تجویز می‌کند، مستلزم همکاری و اقدام کلیه کشورها علیه اشخاص، گروه‌ها، سازمان‌ها و دارایی‌های متعلق به آن‌هاست» (رنجکش؛ پور جواد، ۱۳۹۶، ۳۷۵). روشن است که مسئولیت اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت متوجه و ناظر اعمال و سیاست‌های دولت‌هاست. اگرچه قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت در واکنش به حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ صورت گرفته است؛ ولی مجازات‌های تجویز شده صرفاً محدود به مرتکبان نیست و لذا قطعنامه ۱۳۷۳ همانند لوایح قانونی، نوعی قانون‌گذاری بین‌المللی ناظر بر پیش-

کارشناسان سازمان گذاشته شد؛ اینکه «بازارهای هدف برای سرمایه‌گذاری را از نظر وجود امکان تأمین مالی تروریسم» بررسی کنند. «کارشناسان (اف.ای.تی.اف) بر اساس گزارش‌های رسمی کشورهای مختلف از جمله شفافیت مالی، قوانین مالیاتی و مانند آن نظرات مشورتی خودشان را در مورد میزان ریسک سرمایه‌گذاری در آن کشورها اعلام می‌کنند که مورد استناد سرمایه‌گذاران بین‌المللی قرار می‌گیرد» (عباسی، ۱۳۸۹). گروه اقدام مالی (اف.ای.تی.اف) درباره پول‌شویی ۴۰ توصیه و درباره تأمین مالی تروریسم ۹ توصیه دارد که بر اساس آن‌ها کشورهای مختلف را بررسی و رده‌بندی می‌کند. توصیه‌های این نهاد می‌تواند از طریق وضع قوانین داخلی توسط کشورها، به اجرا در بیاید و زمینه‌های پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را کاهش دهد.

پول‌شویی یک فرایند پیچیده و چند مرحله‌ای است که می‌تواند شامل بسیاری از تراکنش‌ها باشد. مدل خدمات مشتریان در ایالات متحده آمریکا سه مرحله را برای پول‌شویی مشخص می‌کند. دارایی‌های ناشی از فعالیت‌های غیر مجاز در شکل دیگری امکان سرمایه‌گذاری به صورت قانونی در طول مرحله جاگذاری را فراهم می‌کند. در مرحله لایه‌بندی، یک-سری نقل و انتقالات بین حساب‌های مؤسسات مختلف و اشخاص با هدف پنهان کردن هویت رخ می‌دهد. در مرحله یک‌پارچه‌سازی، دارایی‌های قانونی و غیر قانونی با همدیگر ترکیب می‌شوند و در چرخه تجارت یکی می‌شوند. تراکنش‌های پول‌شویی در مرحله یک‌پارچگی شبه قانونی هستند؛ درحالی‌که تراکنش‌ها برای تأمین هزینه تروریسم پنهان باقی می‌مانند و به عبارت دیگر آماده‌سازی فعالیت

تروریسم تنها اگر پول از طریق چرخه بدون فاش‌سازی منشأ غیر قانونی آن به گردش درآید موفقیت‌آمیز خواهد بود.

کنوانسیون اف.ای.تی.اف یک سازمان غیر دولتی است که سیاست‌ها و استانداردهای مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را وضع کرده است. این سند حاوی استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی است که شرط پیوستن به اف.ای.تی.اف پذیرش توصیه‌ها و استانداردهای چهل‌گانه مورد تأکید این گروه است. از جمله این توصیه‌ها، پیوستن به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم است. کشوری که عضو سند مقابله با تأمین مالی تروریسم نشود نمی‌تواند عضو سند اف.ای.تی.اف شود و از منافع حاصل از آن مانند خروج از لیست اخطار اف.ای.تی.اف یا تعقیب متهمان به حمایت از اقدام تروریستی علیه کشور عضو بهره‌مند شود. بنابراین اگر کشورها می‌خواهند با نهادهای مالی در عرصه بین‌المللی کار کنند ناچارند بر اساس سازوکارهای بین‌المللی چه بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی یا قطعنامه‌های شورای امنیت و چه بر اساس ترتیبات میان‌دولتی مانند اف.ای.تی.اف عمل کنند و همکاری داشته باشند (طیب، ۱۳۹۰). نسخ اصلی کنوانسیون حاضر که به زبان‌های عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی است و جملگی دارای اعتبار یکسان هستند، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد به ودیعه باقی خواهد ماند و او نسخ تأییدشده آن را برای همه کشورهای عضو ارسال خواهد کرد. این کنوانسیون، در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک مفتوح است.

بین‌الملل حمایت مالی از تروریسم ممنوع است. در فقه، تروریسم در ردیف بغی و محاربه قابل بررسی است. مطابق قواعد فقهی چون قاعده حرمت اعانت بر اثم است، تأمین مالی تروریسم قابل جرم‌انگاری است. قاعده حرمت اعانت بر اثم به معنای هر گونه فعلی است که دیگری را یاری کند و او را در تحقق هدف مورد نظرش قادر سازد؛ مثل کمک مالی به تروریسم. همچنین قاعده حفظ نظام از دیگر قواعدی است که بر اساس آن، حمایت مالی از تروریسم جایز نیست. بر اساس قاعده مورد اشاره، حفظ نظام واجب است و تأمین مالی از تروریسم اخلال در نظام محسوب می‌شود.

در خصوص حمایت مالی از تروریسم از منظر اسناد بین‌الملل نیز نتایج نشان داد شورای امنیت و مجمع عمومی که دو رکن اساسی سازمان ملل هستند، تروریسم را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده‌اند و به آن توجه شایانی داشته‌اند. مجمع عمومی به دلیل موقعیت ویژه بین‌المللی و عضویت تقریباً تمامی کشورهای جهان در آن، هنجارهای بین‌المللی بسیاری را در این باره به وجود آورده است. مجمع عمومی سازمان ملل، کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم را به تصویب رسانده است. سند مزبور، بر مبنای صلح و امنیت بین‌المللی و ارتقای همکاری‌های بین‌المللی میان کشورها با هدف مقاله با تأمین مالی تروریسم و بر محوریت حمایت از انسان و حراست از حقوق بشری ایجاد شد. این سند به مثابه حلقه مفقوده در دیگر اسناد تروریسمی، برای اولین بار تأمین مالی تروریسم را مورد هدف قرار داد. قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت از دیگر اسناد - بین‌المللی مربوط به تأمین مالی تروریسم است.

بسیاری از تکنیک‌های پول‌شویی توسط سازمان‌هایی مثل نیروی فعالیت مالی برای مقابله با پول‌شویی یا سازمان خزانه‌داری ایالات متحده شناسایی شده‌اند. اف.ای.تی.اف دسترسی آسانی به سرمایه‌ها، پیچیدگی سرمایه‌گذاری‌های بالقوه و توانایی انتقال پول به صورت بین‌المللی را عامل مهم برای مناسب بودن دستگاه‌ها یا دارایی‌ها برای پول‌شویی ذکر می‌کند. پیچیدگی بالای نتایج و گسترش سریع آن‌ها، قابلیت ردیابی انتقالات را پیچیده می‌کند. همچنین، مشخصه انتقال به صورت بین‌المللی، اغلب از طریق کشورهای پنهان کردن منشأ پول را راحت‌تر می‌سازد. انتخاب تکنیکی برای پول‌شویی و تأمین هزینه تروریسم به بسیاری از عوامل مثل: مدت‌زمان تراکنش، حجم تراکنش، کاراکتر داخلی یا بین‌المللی بودن نقل و انتقال بستگی دارد. اگرچه انتخاب تکنیک به ترجیح‌های شخصی فرد پول‌شویی‌کننده یا تروریست برای مثال، وابستگی تکنولوژی، آگاهی از روش‌های جدید پرداخت و غیره نیز بستگی دارد (وارن؛ هاپینسون، ۱۳۸۲). امروزه استانداردهای اف.ای.تی.اف و نظر این سازمان درباره سطح پای-بندی کشورها به این استانداردها، یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای ارائه هر گونه ارتباط و ارائه خدمات بانکی و اعتباری و مالی از سوی بانک‌ها و مؤسسات مالی به دیگر کشورها است.

۵. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر این سوال بررسی شد که رویکرد فقه و اسناد بین‌المللی به حمایت مالی از تروریسم چگونه است؟ نتایج نشان داد که هم در فقه هم در اسناد

مطابق قطعنامه مذکور، شورای امنیت از کشورهای عضو می‌خواهد که فوراً برای پیش‌گیری و سرکوب چنین اقداماتی در راستای افزایش همکاری و اجرای کامل کنوانسیون‌های بین‌المللی کنونی علیه تروریسم در کنار یکدیگر باشند و نیاز کشورها را در تکمیل همکاری بین‌المللی با اتخاذ تدابیر بیشتر برای پیش‌گیری و سرکوب منابع تأمین مالی و فراهم‌سازی هر اقدام تروریستی در سرزمین‌هایشان از طریق همه امکانات قانونی به رسمیت بشناسند. علاوه بر این، اف.ای.تی.اف از کنوانسیون‌های مبارزه با تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی است. اف.ای.تی.اف در زمینه پول‌شویی چهل توصیه و در تأمین مالی تروریسم ۹ توصیه دارد که بر اساس آن‌ها کشورهای مختلف را بررسی و رده‌بندی می‌کند.

۶. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۷. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

فارسی

- پدیده تروریسم قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»،
مجله سیاست، شماره چهل و دوم، ۱۳۹۶.
- ریتز، جورج، نظریه جامعه‌شناختی در دوران
معاصر، چاپ هفدهم، تهران، نشر علمی، ۱۳۹۱.
- سلیمانی، حمید، پول‌شویی در فقه و حقوق کیفری
ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات اندیشه عصر، ۱۳۹۳.
- شریعتی، روح‌الله، قواعد فقه سیاسی، چاپ اول، قم،
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
- طیب، علیرضا، تاریخ جامعه‌شناسی و گفتمان، چاپ
سوم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
- عباسی مهدی، «اینترنت ابزار سیاست تروریسم
مجازی»، نشریه فرهنگی و فناوری، شماره
سوم، ۱۳۸۹.
- عزیززاده، حسین، فرهنگ خاص علوم سیاسی، چاپ
اول، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد سوم،
چاپ سوم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- فلاح، زکیه، «بازنگاهی به مفهوم تروریسم از منظر
حقوق بین‌الملل و اسلام»، مجله رهیافت‌های نوین
در مطالعات اسلامی، شماره ششم، ۱۴۰۰.
- کارگری، نوروز، درون‌مایه‌های تروریسم، چاپ اول،
تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱.
- ملک افصلی اردکانی، محسن، قاعده حفظ نظام،
چاپ سوم، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه
اسلامی، ۱۳۹۹.
- نمازی، حسین، نظام‌های اقتصادی، چاپ چهارم،
تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶.
- نمایان، پیمان؛ سهرابیگ، محمد، «مبارزه با
تروریسم؛ راهبردی مؤثر در تحقق صلح عادلانه
جهانی»، مجله مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری
عمومی، شماره ششم، ۱۳۹۱.

- آگاز، برایان، فرهنگ حقوقی بلک، چاپ اول،
تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.
- ابو‌الحمد، عبدالحمید، مبانی علم سیاست، چاپ
دهم، تهران، نشر توس، ۱۳۸۴.
- اسعدی، حسن، جرائم سازمان‌یافته فراملی، چاپ
اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- اسماعیلی، زهره، «نگاهی به مسئولیت دولت‌ها در
حمایت از تروریسم در آینه اسناد و رویه قضایی
بین‌المللی»، مجله شهر قانون، شماره ششم، ۱۳۹۲.
- اشتراوس، لئو، فلسفه سیاسی چیست، چاپ سوم،
تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چاپ چهارم،
تهران، انتشارات سهروردی، ۱۳۸۱.
- باقی‌زاده، محمدجواد؛ امیری‌فرد، عبدالله، «ضرورت
حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه»،
نشریه شیعه‌شناسی، شماره چهل و هفتم، ۱۳۹۳.
- جوادی آملی، عبدالله، جزوه درس خارج فقه، جلد
دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهش‌های فقهی-
حقوقی معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۸.
- دردریان، جیمز، گفتمان تروریستی نشانه‌ها،
دولت‌ها و نظام‌های خشونت سیاسی، چاپ اول،
تهران، نشر نی، ۱۳۹۲.
- رنجکش، محمدجواد؛ پورجوادی، الهه، «بررسی
تطبیقی واکنش شورای امنیت سازمان ملل متحد به

- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، جلد پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
- خمینی، رو الله، تحریر الوسیله، جلد اول، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۴۰۹.
- خمینی، سید مصطفی، تحریرات فی الأصول، جلد چهارم، قم، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۴۱۸.
- شهید ثانی، زین الدین، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، جلد پنجم، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶.
- صدر، سید محمد باقر، بحوث فی علم الاصول، جلد دوم، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۱۷.
- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴.
- طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، جلد ششم، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۵.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد اول، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷.
- عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد نهم، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد فاضل، القواعد الفقهیه، جلد اول، قم، نشر مهر، ۱۴۶.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، جلد هشتم، قم: منشورات الهجره، ۱۴۱۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد هفتم، قم، انتشارات تهذیب، ۱۴۰۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد پنجم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۷.

- هادیان، غلامحسین، «مفهوم تروریسم و موضع حقوق اسلامی نسبت به آن»، فصلنامه مصباح، شماره چهل و پنجم، ۱۳۸۲.
- وارن، ماثو؛ هاجینسون، ویلیام، تروریسم شبکه‌ای، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
- والتر، رایش، ریشه‌های تروریسم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، معاونت تحقیق و پژوهش، ۱۳۸۱.

عربی

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد دهم و دوازدهم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.
- بحرانی، عبدالله، العوام الامام الحسین (علیه السلام)، قم، مدرسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۷.
- بحرانی، یوسف بن احمد، حدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، جلد بیست و یکم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۵.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، جلد چهارم، بیروت، دارلعلم الملايين، ۱۹۸۷.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، جلد دوازدهم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۹.
- حکیم، سید محسن، حقایق الاصول، جلد اول، نجف، کتاب فروشی بصیرتی، ۱۴۰۸.
- حلی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰.

- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار(ع)، جلد سی ویکم و جلد چهل و هفتم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهة كتاب التجارة، قم، انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۵.
- منتظری، حسین علی، دراسات فی المكاسب المحرمة، جلد دوم، قم، نشر تفکر، ۱۴۱۵.
- موسوی بجنوردی، حسن، القواعد الفقهية، جلد اول، قم، دارالکتب الفقهية، ۱۳۸۰.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، جلد اول، قم، مؤسسه نور، ۱۳۹۲.
- نائینی، میرزا محمدحسین غروی، تنبيه الامه و تنزيه الملّه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۴.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد اول و جلد چهل و یکم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.

لاتین

- Kantor,mark,effective enforcement of international obligation to suppress the fianancing of the terror, the American society of international law, 2005.
- Laqueur, Walter. The New Terrorism: Fanaticism and the Arms of Mass Destruction. New York: Oxford University Press, 2009.